



سال دوازدهم / تابستان ۱۴۰۲

تحلیل گفتمان انتقادی پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی در

پی حادته تروریستی شاهچراغ

• عباس قنبری باغستان^۱، فائزه اعتمادگلستانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۵/۵/۰۲، تاریخ تایید: ۱۶/۸/۰۲

DOR: 20.1001.1.38552322.1402.12.47.13.4

چکیده

هدف این مقاله تحلیل گفتمان انتقادی پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی به مناسبت حادته تروریستی شاهچراغ است. دلیل انتخاب این پیام در این مطالعه، این بوده که این پیام از یکسو در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی کشور صادر شد و از سوی دیگر، به زعم برخی از محققان به صورت متفاوت تری نگارش شده بود. سؤال اصلی تحقیق این بوده است که پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی چگونه از مسائل اجتماعی و فرهنگی متأثر شده و در منازعات ایدئولوژیک جامعه چه جایگاهی دارد؟ این مطالعه با توجه به اهداف و سؤال تحقیق به روشی کیفی و با استفاده از رویکرد انتقادی فرکلاف انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در این پیام به طور کلی دو نوع همپایگی صورت گرفته که به نوعی به یکدیگر مرتبط هستند: ۱- همپایگی بین حادته تروریستی شیراز با حادته سیستان و بلوچستان و دیگر حوادث آن روز کشور که از هر سه به طور ضمنی با عنوان «جنایت و خشونت» یاد می‌شود. ۲- به تبع آن، نویسنده به وضوح جانب‌باختگان هر سه واقعه را در یک سطح قرار داده و از عبارت و مفاهیم خنثی همچون «از دست رفتگان، کشته شدگان و جان باختگان» استفاده می‌کند. اما در سطحی فراتر، نویسنده پیام تسلیت با بیان تعداد زیادی عبارات وصفی و همچنین استفاده بیش از حد از زبان اشاره در قالب افعال سلبی، ضمایر مبهم، ارجاعات گنگ و ... بیشتر تلاش کرده است توصیفی از یک وضعیت نامطلوب اجتماعی و سیاسی در کشور ارائه کند تا اینکه به طور مشخص اعتراضی به وضعیت موجود داشته باشد. به عبارت دیگر، در این پیام اگرچه نویسنده به دنبال محکومیت کشتار افراد مختلف (بدون اشاره به عاملیت آن) بوده، اما موضع اتخاذ شده اساساً جنبه اعتراضی ندارد و نویسنده تلاش داشته به نوعی خود را در موضعی بینابینی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، آیت الله بیات زنجانی، حادته شیراز، قدرت، اعتراض، حادته تروریستی شاه چراغ

^۱دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. abbas.ghanbari@ut.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران. faez.gol@gmail.com

مقدمه و طرح مساله

در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ و در میانه یک رخداد اجتماعی و همچنین التهابات ناشی از مرگ خانم مهسا امینی، کشور ایران با یک حادثه تروریستی در شهر شیراز مواجه شد و در آن تعدادی از افراد حاضر در حرم شاهچراغ زخمی یا به شهادت رسیدند. از آنجایی که حوادث تروریستی یک عمل با انگیزه سیاسی است و به منظور ایجاد رعب و وحشت از سوی شخص یا گروهی در جامعه هدف صورت می‌گیرد، بسیاری از نهادها، شخصیت‌ها و افراد فعال سیاسی و اجتماعی را به واکنش بر می‌انگیزاند. حمله تروریستی به حرم شاهچراغ به عنوان یکی از مکان‌های مهم زیارتی، موجب شد تا بسیاری از مقامات و شخصیت‌های مهم سیاسی و نیز علمای دینی واکنش نشان داده و اقدام به انتشار پیام‌های تسلیت نمایند.

پیام‌های تسلیت به عنوان نوعی کنش گفتاری بیانگر رابطه بین شکل‌های زبانی و موقعیت‌های اجتماعی _ فرهنگی هستند. کنش گفتاری تسلیت به طور معمول در موقعیت‌های خاص برای ابراز همدردی و تاسف فرد تسلیت‌گوینده با افراد صاحب‌عزا به هنگام از دست دادن دوستان و خویشاوندان رایج است (لطف الهی و اسلامی راسخ، ۲۰۱۱) و هدف از آنها گفتن چیزی مناسب، به فرد مناسب و در زمان مناسب است. علاوه بر این برقراری ارتباطات انسانی تنها براساس جملات و عبارات نیست؛ بلکه در واقع انجام کار به وسیله زبان است و زبان ابزار تعامل اجتماعی است. در این نگرش زبان ابزاری برای بیان موضوعات و تحقق اهداف نویسنده در یک متن است و چگونگی استفاده از ابزارهای زبانی حائز اهمیت است؛ چرا که هر متن در زمینه‌ای اجتماعی خارج از متن شکل می‌گیرد و بر ساخته‌ای اجتماعی است. بنابراین نقش زبان در بازنمایی واقعیت‌های بیرونی و بازتاب نگرش‌های مؤلف، گزاره‌ای قطعی است. تحلیل متن به صورت "متن در بافت" ایجاد، و واحدهای زبانی و روابط صوری آنها با متن موجب شکل‌گیری معنای خاص می‌شود (هالیدی، ۱۹۸۵). ازین رو متن پیام تسلیت از سوی مراجع دینی به عنوان رهبران مذهبی و اجتماعی علاوه بر این که ارزش سیاسی دارد، بازتابی از گفتمان سیاسی قالب در زمان نگارش آن است. بنابراین لازم است این پیام‌ها مورد مطالعه قرار بگیرد تا ابتدا نقش زبان در پیشبرد مقاصد سیاسی کنشگران مشخص شود و سپس زمینه اجتماعی که در آن متن شکل گرفته است شناسایی شود.

هدف این مطالعه تحلیل گفتمان انتقادی پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی در پی حادثه تروریستی شاهچراغ می‌باشد. دلیل انتخاب هدفمند پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی به عنوان

نمونه مورد مطالعه این بوده است که از یکسو این پیام تسلیت در شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و امنیتی صادر شده است که کشور درگیر التهابات مختلف بوده است و از سوی دیگر این پیام تسلیت به نظر برخی جامعه شناسان دینی (از جمله حسام مظاهری، ۲۰۲۲^۱) دستکم در مقایسه با سایر پیام‌های تسلیت منتشر شده به همین مناسبت، به صورت متفاوت تری نگارش شده است.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

تحلیل گفتمان رویکردی است که به روابط و ساختارهای زبانی توجه می‌کند و در عین حال به آن محدود نمی‌شود. تحلیل گفتمان به زمینه‌ی به کارگیری زبان و نقش آن در جامعه نیز توجه می‌کند. (قنبری و شمس، ۱۴۰۰) فرکلاف در تحلیل گفتمان سه روش و سنت تحلیلی را متحد می‌کند: تحلیل فراگیر متن در میان بافت زبانشناسی (شامل دستور زبان کاربردی هالییدی) تحلیل عمل اجتماعی در زمینه کلان (شامل نظریه فوکو) و تحلیل عمل اجتماعی در زمینه خرد (مانند تحلیل مکالمه) (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹).

در تحلیل گفتمان به مثابه‌ی یک نظریه و همچنین به عنوان یک روش در تحلیل متون، برخی مفاهیم پایه‌ای وجود دارد که اساس نگرش این رویکرد محسوب می‌شود. فهم این مفاهیم سبب می‌شود پژوهشگر بتواند در تحلیل گفتمان‌ها رویکرد خود را انتخاب و آن را برای تحلیل متون و گفتمان‌ها استفاده نماید. پژوهشگران تعدادی از مفاهیم اساسی را برای این رویکرد دارای اهمیت برشمرده‌اند که عبارتند از: قدرت، مفهوم انتقادی، ایدئولوژی، هژمونی، بافت، بینامتنیت، انسجام. این مفاهیم هم جنبه‌ی نظری و هم جنبه‌ی روش شناسی دارند. در این بخش این مفاهیم اساسی و ابزارهای تحلیلی واکاوی می‌شوند تا به عنوان ابزارهای نظری و کاربردی تحلیل پیام تسلیت در بخش‌های بعدی استفاده شود.

مفهوم انتقادی: فرکلاف در کتاب زبان و قدرت (۱۹۹۶) اهداف نگرش انتقادی را اینگونه بیان می‌کند: «کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت. کمک به افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد؛ زیرا که هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است.»

۱ وی نویسنده و پژوهشگر مطالعات اجتماعی دین است و در شبکه‌های اجتماعی فعالیت مستمری دارد. یادداشت‌های او از سوی کاربران مورد استقبال قرار گرفته و بازنشر می‌شود.

(محسنی، ۱۳۹۱). وی در تحلیل گفتمان انتقادی، قصد دارد نقش کردارهای گفتمانی را در حفظ و بقای جهان اجتماعی به خصوص، در روابط اجتماعی که همراه با مناسبات قدرت نابرابرند، آشکار کند.

قدرت: از نظر فرکلاف، قدرت به مثابه‌ی نیروی فراگیر و روابط متقارنی که همه‌ی سطوح اجتماعی را در سیطره‌ی خود جای می‌دهد و همزمان هم بر فرماندار و هم بر فرمانبردار مسلط است و به اجتماع ساخت و نظم می‌بخشد (سلطانی، ۱۳۸۷). در تحلیل گفتمان انتقادی توجه عمده بر قدرت بازتولید شده نهادی معطوف است.

ایدئولوژی: از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم «ایدئولوژی» برای درک علمی گفتمان، مفهومی کلیدی است؛ زیرا ایدئولوژی «متضمن بازنمود جهان از دید منافی خاص» (فرکلاف، ۱۳۷۹) و ابزار ایجاد و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. فرکلاف معتقد است این کار توسط زبان صورت می‌گیرد و زبان از همین طریق در برساختن واقعیت‌ها نقش دارد.

هژمونی: هژمونی در اصطلاح به معنای سلطه است. این اصلاح در تحلیل گفتمان انتقادی در پیوند میان زبان، ایدئولوژی و قدرت تحلیل می‌شود. از لحاظ فکری این اصطلاح میراث اندیشمندان مارکسیست یعنی گرامشی و آلتوسر است. گرامشی تأکید دارد که جهان بینی طبقه‌ی حاکم از طریق روشنفکران چنان اشاعه می‌یابد که به صورت عقل سلیم^۱ جامعه در می‌آید، یعنی ساختار احساسی که در آن زندگی می‌کنند. او این واقعیت را مدنظر قرار می‌دهد که طبقه‌ی حاکم غالباً ناگزیر نیست که برای حفظ سلطه‌ی خویش متوسل به زور شود، بنابراین از روش‌هایی استفاده می‌کند که طبقات محکوم را به پیروی و پذیرش سلطه وادار کند (وندایک، ۲۰۰۱). در نظر گرامشی قدرت گروه‌های فرماندار می‌تواند به صورت قوانین، هنجارها، عادت و اتفاق نظرهای عمومی شکل هژمونیک بگیرد.

بینامتنیت: نظریه پردازان مدرن متون، خواه متن ادبی و خواه متن غیر ادبی، را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند. متون در واقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه‌پردازان اکنون امر بینامتنی می‌نامند. نظریه پردازان مدعی آن‌اند که عمل خوانش ما را به شبکه‌ای از روابط متنی وارد می‌کند. تأویل کردن یک متن، کشف کردن معنا یا معانی آن، در واقع ردیابی همان روابط است (آلن، ۱۳۸۰). بر این اساس عمل خوانش فرآیندی است که در حرکت میان متون شکل می‌گیرد.

1 common sense

بافت: وایدوسان بافت را اینگونه تعریف می‌کند: "بافت یا زمینه تمام شرایط زمانی، مکانی، زبانی و غیر زبانی است که متن در بستر آن شکل می‌گیرد" (وایدوسان، ۲۰۰۷). در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با تأثیر پذیری از مکاتب تحلیل متن، اینگونه گفته می‌شود که باید زمان و مکانی که گفتمان در آن تولید شده است نیز تحلیل شود تا فهم معنای گفتمان صورت بگیرد.

انسجام: اجزای یک متن کوتاه یا طولانی دارای ارتباط منطقی هستند و این ارتباط اجزا به وسیله‌ی ابزارهای انسجام بخش حاصل می‌شود. پژوهشگران انسجام را بخشی از نظام زبان دانسته‌اند. انسجام در حقیقت با شکل صوری و محتوای زبان در ارتباط است و برای شناخت معنای متن از آن بهره برداری می‌شود.

نگاهی به پژوهش‌های قبلی

نوذری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نکته اشاره کرده‌اند که فرکلاف ابتدا از موضع زبان شناختی به بررسی متون می‌پردازد و سپس گفتمان‌هایی که متن بر آن تکیه کرده است را شناسایی می‌کند و در انتها ارتباط متن با نظریه‌های کلان اجتماعی را توضیح می‌دهد. هدف فرکلاف آگاهی زبانی انتقادی مصرف‌کنندگان متون است. هر ملتی خوانندگان را به سوی فهم خاصی از واقعیت‌ها رهنمون می‌سازد. شناسایی انتقادی گفتمان‌های مستتر در متن و آگاهی بخش به مخاطبان در هنگام خواندن متن، دل‌مشغولی اصلی فرکلاف است. آقاگل زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای برابری و برابری را بر پایه‌ی هم‌ویژگی‌های صوری متن در زبان مبدأ و هم‌بافت موقعیتی با استناد بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مورد بررسی قرار داده‌اند، زیرا تنها با بررسی صوری و از طریق تحلیل ویژگی‌های صوری متن در زبان مبدأ نمی‌توان مستقیماً به تأثیرات ساختاری بر شالوده‌های جامعه و در ادامه به انتقال بین فرهنگی دست یافت. هدف آنها در این مطالعه، ارائه‌ی بهترین شیوه برای بررسی و ارزیابی فرآیند ترجمه (نه تنها محصول آن)، در فرآیند برابری و سپس‌گزینه‌ی برابری در فرآیند ترجمه با استناد بر تحلیل گفتمان انتقادی است. جمالی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی مفهوم امر سیاسی و گفتمان‌های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی را با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلاو موفه مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش صورت‌بندی مفهوم امر سیاسی در گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی را در دو گفتمان لیبرال اسلامی و گفتمان اسلام سیاسی، در چارچوب نظام سیاسی، فرصت سیستم سازی و یا به تعبیری گفتمان سازی را مورد بررسی قرار داده است.

مروری بر تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های زیادی با استفاده از روش‌های تحلیل گفتمان انجام شده است. با این حال، اهمیت این مطالعه از دو منظر قابل توجه است؛ اول این که این مقاله به مطالعه رفتار سیاسی یکی از کنشگران فعال دینی می‌پردازد که در یک برهه زمانی در فاصله‌ای کم تر از شصت روز دو پیام تسلیت به عنوان یک کنش سیاسی-اجتماعی صادر کرده است. (پیام دیگر وی در پی درگذشت خانم مهسا امینی و در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۴۰۱ صادر شده است) و دوم بهره‌مندی این مطالعه از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف برای ارزیابی ساختار پیام تسلیت چه در وجه نظری و چه در وجه تکنیکی و نیز برجسته ساختن وجوه احتمالی تفاوت این پیام در آن شرایط خاص تاریخی-اجتماعی می‌باشد.

روش تحقیق

این مطالعه با توجه به اهداف و سوالات تحقیق به روشی کیفی و با استفاده از رویکرد انتقادی فرکلاف در تحلیل گفتمان، انجام شده است. تحلیل گفتمان انتقادی نوعی پژوهش در تحلیل گفتمان است که در اصل روش‌هایی را بررسی می‌کند که به وسیله آن سوءاستفاده از قدرت اجتماعی، سلطه، کنترل و نابرابری، تولید و بازسازی و در برابر آن مقاومت می‌شود (وندایک، ۲۰۰۱). در میان انواع روش‌های تحلیل گفتمان همچون روش وندایک، لاکلا و موفه و ...، روش فرکلاف از مزایای قابل توجهی برخوردار است.

مدل فرکلاف در تحلیل گفتمان دارای سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین می‌باشد. اولین سطح در مدل فرکلاف، سطح توصیف متن است. متن در مرکز است و محور تحلیل به شمار می‌رود و فرکلاف در این سطح، ویژگی‌های صوری، واژگان، ویژگی‌های دستوری و ساخت‌های متنی گفتمان را با استفاده از نظریه‌های زبانشناسی و در قالب ده پرسش اصلی در یک دسته بندی چهارگانه مشتمل بر ویژگی‌های صوری، واژگان، دستور و ساخت‌های متنی تحلیل می‌کند. سپس وارد سطح تفسیر متن می‌شود که آن را شامل تفسیر متن و تفسیر بافت متن می‌داند و تفسیر بافت متن را به دو قسمت تفسیر بافت موقعیتی و تفسیر بافت بینامتنی تقسیم می‌کند. فرکلاف در تفسیر بافت موقعیتی، چهار پرسش را طرح می‌کند: ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ روابط میان آنها چیست؟ و نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟ فرکلاف در پایان وارد سطح تبیین متن می‌شود. در این مرحله به طور خلاصه تلاش بر آن است تا به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ داده شود که چه نوعی از روابط قدرت در شکل دادن گفتمان‌ها مؤثرند و اینکه جایگاه گفتمان نسبت به مبارزات چیست؟ آیا این مبارزات علنی

است یا مخفی؟ و آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساخت آن؟ (فرکلاف: ۱۳۷۹).

پرسش تحقیق

با توجه به این که پیام تسلیت در پرتو اصول تحلیل گفتمان انتقادی متناسب با سه سطح تحلیلی گفتمان در الگوی پیش نهادی فرکلاف (توصیف، تفسیر و تبیین) است؛ یک پرسش اصلی برای این پژوهش در نظر گرفته شد است.

- پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی چگونه از مسائل اجتماعی و فرهنگی متأثر شده و در منازعات ایدئولوژیک جامعه چه جایگاهی دارد؟

نتایج تحقیق

۱- توصیف

در این قسمت متن اصلی پیام به اپیزودهای معنایی تقسیم شده است و سپس واژه ها، مجازها، استعاره ها، جمله‌ها و همچنین قطب بندی، هدفداری و اثربخشی کلمات و جملات مورد واکاوی قرار گرفته است.

اپیزود ۱: واقعه خونبار و دلخراش حمله تروریستی به نمازگزاران حرم حضرت احمدبن موسی (ع) در شیراز و از دست رفتن جمعی از زنان و مردان و کودکان هموطن را تسلیت عرض می‌کنم. جنایت صورت گرفته علیه این زائران و مجاوران بی‌پناه عقلا و شرعا محکوم است. جنایت جنایت است و استثنابردار نیست. خشونت خشونت است و بدون لکنت باید محکوم شود.

اپیزود ۲: نمی‌توان از واقعه‌ی تأسف بار و جانخراش زاهدان و آنچه بر عزیزان اهل سنت‌مان رفت نیز نگفت و با بازماندگان محترم‌شان هم‌دردی نکرد.

اپیزود ۳: و همچنین از دیگر کشته‌شدگان و جان‌باختگان در این روزهای کشور حرفی نزد و بابت آنها اندوهگین نشد و به خانواده و بازماندگان‌شان تسلیت نگفت.

اپیزود ۴: من شرمنده‌ام که به جهت کسالت کوتاهی کردم و نتوانستم پیشتر در باب این رخداد‌های تلخ سخنی بگویم.

اپیزود ۵: در این میان شفافیت، صداقت، سرعت و صراحت در اطلاع‌رسانی کم و کیف این وقایع و ریشه‌های آن، کمترین حقی است که مردم ما بر دوش مسئولان امر دارند. خداوند به بازماندگان این مصائب صبر و اجر عنایت کند. عاملان و آمران این جنایات خشونت‌بار را رسوا کند و آنها را به سزای اعمال ننگینشان برساند. دعاگوی همه کسانی هستم که با زبان و عملشان برای گسترش صلح و سلام و آرامش و صدق و پرهیز از خشونت و تاجر در این کشور تلاش می‌کنند.

آنچه در ادامه می‌آید توصیف صورت بندی شده از پیام تسلیت فوق است که براساس برخی از شاخص‌های زبان شناختی تدوین شده‌اند.

واژگان پرتکرار	خشونت (۴بار) جنایت(۳بار)
واژگان / ترکیبات وصفی واقعه شاهچراغ	واقعه / خونبار / دلخراش / حمله تروریستی / از دست رفتن جمعی / جنایت / خشونت
واژگان توصیفی واقعه زاهدان	واقعه‌ی / تأسفبار / جانخراش
واژگان توصیفی اشخاص و افراد	نمازگزاران / زنان و مردان و کودکان / هموطن / زائران و مجاوران / بی‌پناه عزیزان اهل سنت‌مان / بازماندگان محترم‌شان / کشته‌شدگان / جان‌باختگان / خانواده و بازماندگان
ضمایر (متصل و منفصل) شخصی	عرض می‌کنم / من / شرمنده ام / کوتاهی کردم / نتوانستم / هستم / سخنی بگویم
ضمائیر (متصل و منفصل) جمعی	عزیزان اهل سنت‌مان / عملشان
ضمایر مبهم	محکوم است / محکوم شود / نگفت / نکرد / نزد / نشد / نگفت
واژگان توصیفی مثبت	شفافیت، صداقت، سرعت و صراحت / صبر و اجر / دعاگوی / صلح / اسلام / آرامش / صدق / پرهیز از خشونت /
واژگان توصیفی منفی	مصائب / اعمال ننگین / جنایات / خشونت بار / دلخراش / خونبار
همپایگی صورت گرفته	-حادثه شیراز / حادثه سیستان / دیگر حوادث روز کشور -جانباختگان حادثه شیراز / جانباختگان حادثه سیستان / جانباختگان دیگر حوادث آن روزها
قطب بندی ها	-مردم و مسئولان -کسانی که برای صلح تلاش می‌کنند و کسانی که برای خشونت تلاش می‌کنند -اهل سنت و اهل تشیع
جملات با فعل معلوم	... تسلیت عرض می‌کنم / ... شرمنده ام / ... سخنی بگویم / ... به دوش مسئولان دارند / ... عنایت کند / ... رسوا کند / ... برساند / ... دعاگو هستم / ... تلاش می‌کنند
جملات با فعل مجهول	... محکوم شود / ... نمی‌توان چیزی نگفت / ... نمی‌توان همدردی نکرد / ... اندوهگین نشد / ... تسلیت نگفت

با توجه به آنچه که در جدول بیان شد است، می‌توان برای وجه توصیفی این پیام تسلیت، موارد ذیل را برجسته ساخت:

- جملات

همپایگی: در این متن دو نوع همپایگی صورت گرفته که نوعی به یکدیگر مرتبط هستند: ۱- همپایگی بین حادثه تروریستی شیراز با حادثه سیستان و بلوچستان و دیگر حوادث آن روز کشور (اشاره به وقایع پس از فوت مهسا امینی) که از هر سه به طور ضمنی با عنوان «جنایت و خشونت» یاد می‌شود. ۲- به تبع آن، نویسنده به وضوح جانباختگان هر سه واقعه را در یک سطح قرار داده و از عبارت و مفاهیم خنثی همچون «از دست رفتگان، کشته شدگان و جان باختگان استفاده می‌کند.

استفاده از جملات مجهول: در دو اپیزود معنایی دوم و سوم که به نوعی دربردارنده یکی از پیام اصلی این متن است، استفاده کامل از جملات مجهول از ویژگی‌های جایگاه سیاسی است که در قدرت قرار ندارد. نویسنده پیام تسلیت با استفاده از جملات مجهول، بدون اشاره به عنصر «عاملیت» در کنش‌های مورد اشاره، ظاهراً تردید و یا ابایی نسبت به آوردن نام فاعل آن کنش دارد.

- عبارات

"دیگر کشته‌شدگان و جانباختگان در این روزهای کشور" علاوه بر استعاره بودن، از نظر ایدئولوژیکی بار معنایی دارند که در مرحله تبیین توضیح داده می‌شود. "اشاره مستقیم به وقایع تلخ حداقل دو نقطه کشور(زاهدان و شیراز) و نیز اشاره غیر مستقیم به وقایع تلخ در سایر نقاط کشور"، به نوعی وضعیت نامطلوب اجتماعی و سیاسی و امنیتی در سراسر کشور را نشان می‌دهد.

نویسنده پیام در اپیزودهای ۱ تا ۳ به صورت مستقیم و غیر مستقیم به وقایع جاری کشور اشاره می‌کند. اما تعداد واژگان/ ترکیبات وصفی وقایع هم به لحاظ کمی تعداد بیشتری دارد و هم به لحاظ کیفی دارای بار ایدئولوژیک و معنایی بیشتری است.

عبارت "مردم ما" حاوی نوعی احساس تعلق درون گروهی نویسنده در سمت «قدرت» است. در حالی که با کمی تغییر می‌توانست از عبارت "ما مردم" استفاده کرده و از موضع مردم سخن بگوید.

بیان عبارت‌های "من شرمندهام که/ به علت کسالت نتوانستم"، و استفاده از ضمیر شخصی "من" و بیان "دلایل شخصی" درباره سکوت و یا ارسال با تاخیر پیام را می‌رساند.

خداوند... و آنها را به سزای اعمال ننگینشان برساند/ دعاگوی همهٔ کسانی هستم...، بیانگر ایفای نقش روحانیت در سطح موعظه و دعاگویی و خیرخواهی برای مردم است.

- قطب بندی

مردم/مسئولان: رابطه‌ای دو قطبی میان مردم و مسئولین برقرار است که در آن مردم بر گردن حاکمیت حقوق اولیه و همچنین حقوق والاتری دارند.

اهل سنت(در زاهدان) و اهل تشیع(در شیراز): پیروان دو مذهب مختلف که هر دو مورد خشونت قرار گرفته اند، در یک قطب بندی مثبت مورد همدلی قرار گرفته اند

آن‌هایی که برای صلح تلاش می‌کنند/ آن‌هایی که برای خشونت تلاش می‌کنند: دو قطب متضاد در نظر گرفته شده است و در واکنش به تلاش‌های هر دو قطب از خداوند یاری خواسته شده است.

انسجام متنی

- در این پیام انسجام متنی در سه بخش تکرار، ارجاع و هم آیی قابل تشخیص است:
- **تکرار:** دو مفهوم «جنایت و خشونت» عبارات پر تکرار و تأکیدی این متن به شمار می‌روند و شکل دهنده اصلی کنش‌های گفتاری این پیام محسوب می‌شوند.
 - **ارجاع:** ضمائر مبهم در بیشتر پاره‌های معنایی متن دیده می‌شود. تکرار این ضمائر نشان می‌دهد که نویسنده، به خصوص در ارتباط با مقوله «عاملیت»، زیاد از خطاب مستقیم استفاده نکرده است و شنوندگان را با ابهام و به طور غیر مستقیم نوعی سردرگمی مواجه ساخته است.
 - **هم آیی:** یکی دیگر از عوامل انسجام بخش در متن هم آیی است. «منظور از هم آیی یا به هم مربوط بودن، عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است که منجر به پیدایش ارتباط بین جمله‌های آن متن می‌شود» (آقاگلزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸). *واقعۀ خونبار/ دلخراش/ حملۀ تروریستی/ دست رفتن جمعی/ جنایت/ خشونت کشته‌شدگان / جان‌باختگان / خانواده و بازماندگان مصائب/ اعمال ننگین/ جنایات/ خشونت بار مجموعهٔ واژگان و ترکیبات وصفی منفی است که در این پیام تسلیم شامل کلمات که در چارچوب مفاهیم کشتار قرار دارد.*

تفسیر

به گفته فرکلاف، بدیهی است که نمی توان از طریق ویژگی های صوری متن که در بالا به آنها اشاره شد، مستقیماً به این تاثیرات ساختاری بر شالوده جامعه دست یافت چرا که اساساً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه ای غیر مستقیم است. این رابطه بیش از هر چیز توسط گفتمان که متن خود بخشی از آن است، برقرار می شود، چرا که ارزش ویژگی های متنی تنها با واقع شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه واقعی می یابد و از نظر اجتماعی نیز عملی می شود. در اینجا است که متون بر اساس پیش فرض های مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) که به ویژگی های متنی ارزش می دهند، تولید و تفسیر می شوند (فرکلاف، ۱۳۹۷).

در این مرحله ترکیبی از سرنخ‌هایی که در مرحله توصیف برجسته شد و نیز دانش زمینه‌ای حائز اهمیت می شوند و محققین با توجه به آن اقدام به خوانش مجدد متن نموده و به تفسیر آن می‌پردازند.

– ماجرا چیست؟ چه فعالیتی در حال انجام است؟ عنوان و هدف این فعالیت چیست؟

اصل ماجرا واکنش (ابراز تسلیت) به یک واقعه تروریستی در شهر شیراز است. اما در پس آن نویسنده تلاش دارد تا به طور همزمان وقوع حوادث مشابه در دیگر نقاط کشور را نیز برجسته نماید. لذا به نظر می‌رسد هدف این پیام تسلیت، صرفاً ابراز همدردی نیست، بلکه فراتر از آن نویسنده تلاش داشته ضرورت واکنش به ماجراهای مشابه و ضرورت رعایت حقوق مردم را هم به مسئولین گوشزد کند.

– چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ (فاعلان اجتماعی درگیر ماجرا)

افراد زیادی درگیر ماجرا هستند. از مسئولین و سایر کنشگران دینی که احیایا مریض نبوده‌اند و کسالت نداشته‌اند ولی سکوت کرده اند، گرفته تا همه کسانی که مسئول ایجاد امنیت و آرامش در جامعه هستند.

– روابط میان آنها چیست؟ (تعامل، تقابل، فرادستی یا فرو دستی)

با توجه به آنچه در مرحله توصیف به دست آمده است، می‌توان اینگونه استنباط کرد که نویسنده در اینجا خود را، حتی به لحاظ دینی، در موضع قدرت نمی بیند. لذا صرفاً با زبان موعظه و از موضع پایین به بالا صحبت می‌کند.

- نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟ (جان مایه، پیش فرض‌ها و کنش‌گفتارهای متن)

جان مایه اصلی این متن «محکومیت کشتار مردم» است. نویسنده با این پیش فرض اصلی که هر سه واقعه (حادثه شیراز، حادثه سیستان و وقایع مرتبط با فوت مهسا امینی) از یک سنخ و کنش محسوب می‌شوند، در کنش‌های گفتاری مختلف تلاش داشته تا حق و حقوق اولیه مردم را به مسئولان یادآور سازد. هرچند به همان دلایلی که در بالا به آنها اشاره شد، از جمله رابطه قدرت، این امر هرچند با عبارات و جملات تاکیدی، اما با ارجاعات مبهم و مجهول انجام می‌دهد. از سوی دیگر، آنچه در این پیام با آن روبه رو هستیم، مقوله **بیناگفتمانیت** است. بیناگفتمانیت هنگامی واقع می‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلفی در یک رخداد ارتباطی واحد با یکدیگر مفصل بندی شوند. نویسنده در طول پیام چند بار ژانر گفتگو را تغییر می‌دهد. در یک ژانر اجتماعی، آنچه از عقل سلیم بر می‌آید نویسنده با استفاده از تعداد زیادی عبارات توصیفی منفی و همچنین عبارات تاکیدی سعی در ابراز همدردی عمیقی با طیف وسیعی از افراد دارد. اگرچه با اشاره به سایر کشته شدگان در نقاط مختلف کشور، به وقایع جاری سیاسی (وقایع مربوط به پس از مرگ مهسا امینی) اشاره دارد، اما به طور کلی در بخش‌های کم تری وارد ژانر سیاسی گفتمان شده است. همچنین نویسنده نیم نگاهی حقوقی نیز به واقعه دارد، اما روح حاکم بر گفتمان وی دینی است. وی در بیشتر بخش‌های پیام وارد یک گفتمان دینی شده است و از واژگان این حوزه مفهومی بهره گرفته است.

تبیین

به گفته فرکلاف هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند، همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمانها چه تاثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند، تاثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها میشوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

نویسنده در پیام تسلیت که به بهانه حمله تروریستی به حرم شاهچراغ شیراز نگاشته شد است با تکرار واژگان خشونت و جنایت و استفاده از جملات تاکیدی این حادثه را به شدت محکوم می‌کند. نویسنده با تکرار افعال نیز در پی تنوع بخشی در انتقال پیام خود به صورت

افناعی است. در بخش دیگر نویسنده در حال انتقال پیام تسلیت و ابراز همدردی با سایر کشته شدگان آن روزهای کشور است، اما ساختار زبان شناختی و تفسیری متن موضع گیری سرسختانه ابتدای پیام را ندارد. چه بسا از جملات مجهول و ضماری مبهم استفاده کرده است و حتی در مقام یک کنشگر دینی با جایگاهی مشخص در بافت سیاسی و اجتماعی کشور، صرفا دلایلی شخصی برای عدم کنشگری خود بیان کرده است. لذا این چنین برداشت می‌شود که نویسنده پیام تسلیت با عدم مواجهه رو در رو، به نوعی خود را در موضعی بینابینی قرار داده است. نویسنده پیام تسلیت با احتیاط بیشتری به کشته شدگان اهل تسنن به عنوان بخش دیگری از مردم کشور اشاره می‌کند، و این در حالی است که وضعیت سیاسی کشور در استان سیستان بلوچستان در این بازه زمانی چندان مساعد نیست.

نویسنده پیام تسلیت همچنین اشاره‌ای به شرایط سیاسی اجتماعی ایران در این بازه زمانی (یعنی پس از مرگ خانم مهسا امینی) دارد و این در حالی است که در همین بازه زمانی برخی نهادهای قدرت از گفتمان اجتماعی مشخصی در رابطه با وقایع پس از مرگ خانم امینی بهره جستند و از مفاهیم مشخصی همچون "اغتشاش گران، عوامل بیگانه، سرکردگان آشوب و ناامنی" استفاده می‌کنند؛ اما نویسنده پیام تسلیت بازهم ترجیح داده است در این باره اظهار نظری نکند و منظور خود از کشته شدگان را مشخص نکند. نویسنده پیام تسلیت همچنین در بخش‌های مختلف پیام به ایجاد مرزبندی‌هایی میان خودش، دیگر کنشگران (احتمالا سایر مراجع) و حاکمان پرداخته است. نویسنده پیام تسلیت پس از طرح وقایع و شدت وخامت اوضاع (به ویژه در رابطه با حادثه شاهچراغ) ابتدا نقش و وظیفه خود را گوشزد می‌کند و سپس به سراغ مسئولان امر می‌رود. وی اگرچه به این نکته اشاره می‌کند که در ابراز همدردی با مردم قصور داشته است؛ اما با ذکر دلایل شخصی یعنی کسالت و سالخوردگی، خودش را از شماتت دور نگه می‌دارد. لکن در بیان اعتراض یا مطالبه به این که دیگرانی که کسالت نداشته‌اند و سکوت اختیار کرده‌اند نیز موضع مشخصی اتخاذ نموده است.

در جای دیگری از متن نویسنده پیام تسلیت برای عموم افراد جامعه نسبت به مسئله امنیت حقوقی را قائل می‌شود که جزء حقوق اولیه مردم است و رسیدگی به این امر را اگرچه مستقیما خواهان نمی‌شود اما به آن اشاره کرده و مسئولان را نسبت به مردم موظف می‌پندارد. شاید بتوان این چنین گفت که نویسنده با تغییر پی در پی ژانرها به شکلی علاوه بر بهره گیری

از گفتمان اجتماعی و شرعی، موضوع مطالبات عمومی جامعه را به نوعی در ژانر حقوقی نیز مطرح کرده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

در طول تاریخ ایران، بیانیه‌های مراجع تقلید همواره تاثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی در بزنگاه‌های تاریخی داشته است که از جمله آنها می‌توان به بیانیه‌های مراجع در تحریم تنباکو، نهضت مشروطه و حتی نهضت امام خمینی اشاره کرد.

انتشار پیام‌های تسلیت توسط علمای دینی در شرایط ملت‌هت‌ب ایران در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ برای اندیشمندان و حتی عامه مردم حائز اهمیت بوده است. چرا که جامعه با انبوهی از رویکردها و دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها درباره وقایع جاری کشور مواجه بوده و در این میان، بیانیه‌های علما و مراجع دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند.

مطالعه پیام تسلیت آیت الله بیات زنجانی به عنوان یکی از کنشگران فعال دینی و اجتماعی در ایران در پی حادثه تروریستی حمله به حرم شاهچراغ در پرتو اصول تحلیل گفتمان انتقادی نشان می‌دهد که در این پیام تسلیت، ترکیبات وصفی وقایع هم به لحاظ کمی تعداد بیشتری دارد و هم به لحاظ کیفی دارای بار ایدئولوژیک و معنایی (تاکیدی) بیشتری است. اما نویسنده پیام تسلیت با بیان تعداد زیادی عبارات وصفی و همچنین استفاده بیش از حد از زبان اشاره در قالب افعال سلبی، ضمائر مبهم، ارجاعات گنگ و ... بیشتر تلاش کرده است توصیفی از یک وضعیت نامطلوب اجتماعی و سیاسی در کشور ارائه کند تا اینکه به طور مشخص اعتراضی به وضعیت موجود داشته باشد. در سطح توصیف نویسنده در فراز مهمی از این پیام، از افعال سلبی، مجهول و ضمائر ارجاعی مبهم زیادی استفاده کرده است که نشان دهنده نوعی اجتناب از مواجهه با قدرت/حاکمیت بوده است. در انسجام متنی نویسنده بیش از همه از تکرار و هم آیی در چارچوب مفاهیم «خسونت» و «کشتار» استفاده کرده است و از این طریق ارتباط بین کنش‌های اجتماعی آن زمان را شکل داده است. اما براساس تفسیر و تبیین متن بیانیه تسلیت می‌توان چنین استنباط کرد که اگرچه نویسنده به دنبال محکومیت کشتار افراد مختلفی (بدون اشاره به عاملیت آن) است که درگیر حوادث گوناگون کشور هستند و به گروه‌های مختلف آنان (با گرایش‌های مختلف سیاسی) اشاره می‌کند؛ اما موضع اتخاذ شده اساساً جنبه اعتراضی ندارد و نویسنده تلاش داشته با عدم مواجهه رو در رو با قدرت، به نوعی خود را در موضعی بینابینی قرار دهد.

منابع

- آقاگل زاده، ف؛ ارجمندی، م؛ گلفام، الف؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع (۱۳۸۹). کارآمدی کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده "خواهران" اثر جیمز جویس. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۱(۳).
- آلن، گ (۱۳۸۰). بینامتنیت (ترجمه‌ی پیام یزدان جو) تهران: نشرمرکز، چاپ اول.
- جمالی، ج؛ خرمشاد، م (۱۳۷۹). امرسیاسی و گفتمان‌های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۹۲). فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۴).
- سلطانی، ع (۱۳۸۷). قدرت، گفتمان و زبان: سازو کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، نشر نی.
- فرکلاف، ن (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی (ترجمه‌ی فاطمه شایسته پیران و دیگران). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- قنبری باغستان، ع؛ شمس اسمعیلی، م (۱۴۰۰). تحلیل انتقادی برنامه‌ی «دوره‌می» از منظر سلبریتی محوری و گفت‌وگوهای زرد. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۳(۱).
- قنبری باغستان، ع؛ مومنی، ع (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی سلبریتی‌ها در صداوسیما: مطالعه موردی گزارش‌های خبری اخبار ۳۰:۲۰. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۴(۳).
- کشور دوست، الف؛ آقاگل زاده، ف (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی بازنمای ایدئولوژی در رسانه‌های ایرانی و آمریکایی در چارچوب نظریه ایدئولوژی وندایک؛ مطالعه موردی برج‌ام. دوفصلنامه رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹(۲).
- محسنی، م ج (۱۳۹۱). جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳(۳).
- نودری، ح؛ جمشیدی ها، غ؛ غلامی پور، الف؛ ایرانی، ی (۱۳۹۲). سودمندی گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل متون انضمامی: با نگاهی به متون تولید شده رسانه‌ای با محوریت بحران اقتصادی و اجتماعی اخیر اروپا و آمریکا. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۶).
- یورگنسن، م؛ فلیپس، ل (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان (ترجمه‌ی هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

منابع اینترنتی

- حسام مظاهری، م. (۲۰۲۲، ۳۱ اکتبر). واقعه شاهچراغ و صداهای خاموش، چرا برخی مراجع تقلید در قبال واقعه شاهچراغ سکوت کرده اند؟ [کانال دین، فرهنگ، جامعه]. تلگرام . <https://t.me/mohsenhesammazaheri>

- Allen, G. (2001). *Intertextuality* (Translated by Payam Yazdanjoo). Tehran: Nashr-e-Markaz, 1st Edition. (In Persian)
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London and New York: Longman. (In Persian)
- Ghanbari Baghestan, A., & Momeni, A. (2022). Critical Discourse Analysis of Representation of Celebrities on TV Programs: Case of "20:30 News Reports" of Channel 2, IRIB. *Journal of Sociology of Culture and Art*, 4(3). (In Persian)
- Ghanbari Baghestan, A., & Shams Esmaeili, M. (2021). A Critical Analysis of Celebrity-centeredness and Yellow Dialogues in the "Dorehami" Program. *Journal of Sociology of Culture and Art*, 3(1). (In Persian)
- Halliday, M. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Jørgensen, M., & Phillips, L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. London: Sage. (In Persian translation by H. Jalili, 2007, Tehran: Nashre Ney). (In Persian)
- Keshvaridoost, A., & Aghagolzadeh, F. (2020). A Comparative Study on Representation of Ideology in Iranian and American Media based on Van Dijk's Theory of Ideology: Case study on JCPOA. *Media and Culture Journal*, 9(2). (In Persian)
- Khorramshad, M. B., & Jamali, J. (2018). Politics and Political Discourses in Iran Following the Islamic Revolution (1979-2014). *Journal of Islamic Revolution Studies*, 15(54). (In Persian)
- Lotfollah, B., & Eslami-Rasekh, A. (2011). Speech act of condolence in Persian and English. *Studies in Literature and Language*, 3(3).
- Muhseni, M. J. (2013). An inquiry into Fairclough's theory and his discourse analysis method. *Journal of Social Cultural Knowledge*, 3(3), 43-54. (In Persian)
- Nozari, H., Jamshidiha, G., Gholamipoor, E., & Irani, U. (2013). The Usefulness of Critical Discourse Analysis According to Fairclough in Analyzing the Concrete Texts: The Analysis of Media Text Focusing on Current Social and Economic Crisis in Europe and the U.S. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 2(1). (In Persian)
- Soltani, A. (2008). *Power, Discourse, and Language: Power Structures in the Islamic Republic of Iran*. Nashr-e-Ney. (In Persian)
- van Dijk, T. A., Tannen, D., & Hamilton, H. E. (2001). *The Handbook of Discourse Analysis*. Blackwell Publishers Ltd.
- Widdowson, H. G. (2007). *Discourse Analysis*. Oxford University Press. Aghagolzade, F., Arjmandi, M., Golfam, A., & Kord Zafaranlu, A. K. (2010). The Efficiency of Critical Discourse Analysis Model Inspired by Fairclough for Criticism and Evaluation of Equivalents through Translated Texts of SISTERS by James Joyce. *Language Related Research*, 1(3). (In Persian)